

### ۳ مرزبان دلیر در برابر ارتش شوروی

شهریورماه سال ۱۳۲۰ نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی از شمال و شرق و نیروهای انگلیسی از جنوب و غرب و از زمین و هوا به ایران حمله کردند؛ حملات سنگینی که به اشغال تعداد زیادی از شهرهای کشور منجر شد و تهران نیز در آستانه اشغال قرار گرفت. در میان این رخدادهای تاریخی، «پل آهنی» که روی رود ارس قرار دارد، آبستن حماسه مهمی شد که مرور جزئیات آن خالی از لطف نیست. ساعت ۴ بامداد سوم شهریورماه سال ۱۳۲۰ شمسی یادآور یورش و تجاوز ناجوانمردانه ارتش شوروی به ایران در جریان جنگ جهانی دوم است. در این روز سه مرزبان غیور ایرانی دستور تسلیم در برابر دشمن متجاوز را که از سوی حکومت بی غیرت رضاخانی ابلاغ شده بود ناپدید گرفته و جان خود را تسلیم وطن کردند تا پس از



گذشت ۸۰ سال از آن روز، همچنان فریاد برآورد که مرزبان ایرانی غیرت و آزادگی را در مکتب امام حسین (ع) آموخته و در دفاع از خاک وطن و ناموس تا پای جان و آخرین قطره خون ایستاده است. براساس روایت موجود سه شهید مرزبان برای مقابله با قوای نظامی شوروی در سه موقعیت سنگر گرفته بودند. شهید سر جوخه مصیب محمدی در یک متری کنار پل فلزی سنگر گرفته بود؛ شهید شهریاروی روی بر جک پاسگاه و شهید راثی هاشمی روی پشت بام پاسگاه. اسلحه هایشان هم برنو و هر سه در تیراندازی ماهر بودند. برای متوقف کردن، ستون تجهیزات نظامی، راننده نفربر زرهی یا تانک پیشرو مورد هدف قرار گرفت و کشته شد. با توقف خودروی زرهی، حرکت ستون متوقف شد. نیروهایی هم که برای راه اندازی تانک مذکور اعزام می شدند مورد هدف مرزبانان قرار می گرفتند. از این رو حرکت ستون نظامی برای ساعتی متوقف شد. با توجه به موقعیت مدافعان میهن، ارتش شوروی برای در هم شکستن مقاومت مرزبانان با خمپاره و توپخانه پاسگاه را مورد هدف قرار داد که با خاموش شدن آتش سلاح مرزبانان و شهادت آنها تانک متوقف شده، راه اندازی و ستون مکانیزه ارتش شوروی وارد قلمرو ایران شد.

## همشهری پایتاری

### بی ادعا ایستاده در نقطه صفر مرزی

آتنا عباسیان  
دبیر ضمیمه پایتاری

بهار به واپسین روزهای خود رسیده و قرار سپردن زمان، از دست نسیم بهاری به روزهای گرم تابستان نزدیک و نزدیک تر می شود. آرامش در کوچه پسکوچه های این شهر جاری است و شهروندان نعمت بزرگ امنیت را در حالی تجربه می کنند که در همین بهار ۱۴۰۲، جوانانی در مرزبانی از وطن در گوشه و کنار این سرزمین، پر پر شدند. سزاوار است برای این شهدای امنیت دست بر سینه گذاشت؛ شیر مردان گمنامی که تمام قد پای وطن از شمال به جنوب، از غرب به شرق ایستادند. دور از خانه و کاشانه، در سرمای استخوان سوز و در گرمای طاقت فرسا برای خاکی که در آن ریشه و هویتش تجلی شده، پاسداری می کنند. ما مدیونیم لحظه لحظه آرامش را به اشک های مادری که به انتظار پسر مرزبان نشسته! مدیونیم به دلهره های پدری که دلش در فراق پسر آشوب است. مدیونیم به روزهای بی پدری و بی همسری خانواده های مرزبانان؛ چه آنهایی که در این راه شهید و جانباز شدند و چه آنهایی که خدا را شکر سلامت اند. مردان مقتدر فراجا با تعطیلی و با استراحت زیر سقف امن خانه در کنار عزیزان شان سال هاست که غریبه اند.

و اما دل مان این روزها در خانه شهیدان سرباز گیر است. شهید سربازی چون محمد مهدی احمدی که چند هفته پیش در درگیری های مرزی سیستان و بلوچستان به شهادت رسید. زود بود برای پرپر شدنش... گرچه آرزوی دامادی بر دل مادر و پدرش نشست اما چه زیبا مادرش با ایراد خطبه ای زینب (س) گوید، فرزند شهیدش را به امام حسین (ع) هدیه کرد. زیبایی دیگر اینکه محمد محمدی بریمانلو، قهرمان جودوی آسیا، مدالش را به خانواده این شهید سرباز مرزبان تقدیم کرد؛ نشان تلاپی که در مسابقات قهرمانی آسیای هانگژوی چین کسب کرده بود را هدیه داد تا به نمایندگی از مردم ایران بگوید که ما قدر این خون های مظلومی که در مرزها ریخته می شوند را می دانیم.

و حال مدال افتخاری عظیم بر سینه این شهید است که تا همیشه در این وطن از آنها به نیکی یاد می شود. اینها هم نام شان در میان «قهرمانان ملی» این سرزمین ثبت خواهد شد؛ مثل دریاقلی سورانی و هزاران هزار فدایی وطن. شاید خبر رشادت هایشان به گوش ما نرسد، شاید هم در هیاهوی خبرهای خوب و بد رسانه ها، گم شوند، اما نام و یادشان از تاریخ قهرمانی این سرزمین هرگز فراموش نخواهد شد.

چه آنهایی که مقابل قاچاقچیان کالا و ارز ایستادند تا امنیت اقتصادی را برای کشور به ارمان بیاورند و چه آنها که با سوداگران مواد مخدر درگیر شدند تا جوانان کمتری در وطن درگیر این مواد افیونی شوند. فرقی نمی کند همه و همه برای حفظ حقوق و تمامیت ارضی ایران، برای آرامش مرزنشینان و آسایش هموطنان خود بی ادعا و بی منت ایستاده اند در نقطه صفر مرزی. و بر ماست که یادی کنیم از این عزیزان.



رهبر انقلاب در دیدار خانواده های شهدای مرزبان فرمودند

# شهدای مرزی ما مظلومند

فداکاری می کنند؛ بعد هم شهید می شود؛ این شهید خیلی ارزش دارد. شهید مدافع حرم آن جور، شهید مرزبان این جور... شما که خانواده شهید هستید، خودتان داغدارید و دست تان در کار است؛ من می خواهم این را عرض بکنم - این حرف ها پخش می شود، گفته می شود تا مردم بدانند که این شهیدان ما چقدر دارند به این کشور خدمت می کنند - خدمت، فقط دادن آب و نان نیست؛ بالاتر از آب و نان، امنیت است؛ اینها دارند امنیت کشور را تأمین می کنند. در همه مرزهای کشور این جوری است؛ چه آنهایی که در خارج کشور در دفاع از حرم کار می کنند، چه آنهایی که در مرزها کار می کنند، چه آنهایی که در داخل شهرها و جاده ها برای امنیت کار می کنند، همه اینها حق حیات به گردن کشور دارند. قدر شهدا را باید بدانیم، قدر خانواده های شهدا را باید بدانیم. برادران عزیز، خواهران عزیز! هر کسی که سعی کند که یاد شهدا به فراموشی سپرده بشود، به این کشور خیانت کرده؛ هر کسی که سعی کند که به خانواده های شهدا اهانت بشود یا بی اعتنائی بشود یا مورد تعرض زبانی قرار بگیرند، به این کشور خیانت کرده؛ [چون] اینجا بحث نظام نیست، بحث کشور است؛ به کشور خیانت کرده. به شهدا باید احترام بگذارند و قدر آنها را بدانند؛ به خانواده شهدا باید احترام بگذارند و قدر آنها را بدانند؛ خود را زیر بار منت شهیدان بدانند. خب «زیر بار منت شهیدان» یعنی چه؟ یعنی زیر بار آن همسری که راضی می شود شوهرش برود در میدان جنگ به شهادت برسد؛ پس زیر بار [منت] آن خانم هم هستند؛ زیر بار منت آن پدر یا آن مادری که رضایت می دهد فرزندش برود. مهم هستند؛ زیر بار منت اینها قرار بگیرند و همه بدانند، اینها است که ارزش ها را در کشور مان زنده می دارد.

بخشی از متن بیانات رهبر انقلاب در دیدار خانواده های شهدای مرزبان و مدافع حرم در تاریخ ۲۸ خرداد سال ۱۳۹۶

شهادت یک مفهوم عجیبی است، یک مقوله عجیبی است، یک مقوله عمیقی است. شهادت یعنی معامله با خدا، یک معامله دو جانبه بی دغدغه با خدای متعال؛ جنس هم معلوم، بهای جنس هم معلوم. جنس عبارت است از جان. جان یعنی سرمایه اصلی هر انسانی در این دنیای مادی؛ این جنس است؛ این را شما تقدیم می کنید؛ در مقابل، چه می گیرید؟ در مقابل، سعادت ابدی و حیات جاودان در برترین نعمت های الهی را می گیرید... بخش مهم دیگری از امنیت، مربوط به این مرزداران ماست؛ چه از نیروی انتظامی که در مرز مستقرند، چه از نیروهای زمینی سپاه که در مرز مستقرند، چه از بقیه نیروهایی که در مرزها در حال رفت و آمد و استقرار و فعالیت و تلاشند؛ این ناشی از برکات آنهاست؛ آنها - طلفک ها - دیده هم نمی شوند! شما در خانه هایتان نشسته اید؛ از مرز چه خبر دارید؟ شما پسر تان را، دختر تان را می فرستید مدرسه، می آید، نگران نیستید؛ خودتان می روید محل کار و می آید، نگران نیستید؛ می روید در پارک می نشینید، نگران نیستید؛ راه پیمایی می کنید، نگران نیستید؛ نگران نامنی نیستید، دارید با امنیت زندگی می کنید. چه خبر دارید که آنکه در مرز ایستاده و جلوی دشمن را گرفته که وارد کشور نشود، او دارد چه می کند؟ این را مردم خبر ندارند؛ او مظلوم است. شهدای مرزی ما مظلومند؛ چه در مرزهای جنوب شرقی یعنی منطقه بلوچستان و کرمان و مانند اینها، چه منطقه شمال غربی [یعنی] منطقه کردستان و کرمانشاه و بقیه جاها، چه بقیه مناطق دیگری که در مرزها مشکلاتی وجود دارد؛ در همه اینها، این مرزدارهای ما هستند که دارند با همه وجود، آنجا دفاع می کنند. اگر این مرزدارها نباشند، از بعضی از مرزهای ما هزار کیلو هزار کیلو مواد مخدر وارد کشور می کنند که هر یک کیلویش ممکن است صد جوان را بدبخت کند و به روز سیاه و به خاک بنشاند. چه کسی جلوی اینها را می گیرد؟ مرزدار ما! اینها هستند که دارند